

بسمه تعالی



نهیضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

۱۸۸۰

۱۳۸۳/۶/۴

درگیری‌های نظامی عراق و امنیت ملی ما

آنچه در مرزهای غربی کشورمان و در سرزمین عراق می‌گذرد از دو منظر ملی و فراملی قابل توجه است. از منظر ملی، رویدادها و تحولات عراق، تشنجات، درگیری‌های مسلحانه، استمرار اشغال نظامی، تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی مردم و نوع ساختار حکومت آینده با منافع و امنیت ملی کشورمان بستگی دارد. از منظر فراملی، حوادث عراق ابعادی انسانی دارد. کشتن مردم بی‌دفاع، گروگانگیری و سر بریدن افراد، آن هم به نام دینی که خداوند پیامبرش را «رحمت برای جهانیان» نامیده است، نه تنها خلاف دین پاک خدا که اعمالی غیرانسانی است.

سقوط رژیم بعثی صدام - که از نظر داخلی، یک نظام سرکوبگر و جنایتکار و از نظر خارجی، تهدید مستمر همسایگان بود، و دو جنگ را بر مردم ایران و کویت تحمیل کرد - تحولی مثبت محسوب می‌شود. اما ادامه اشغال نظامی عراق و کشتار مردم بی‌پناه قابل توجیه نیست. منافع و امنیت ملی عراق و کشورهای همسایه آن، از جمله ایران، ایجاب می‌کند که نیروهای نظامی خارجی هر چه سریعتر خاک عراق را ترک کنند و اداره کشور را به نمایندگان منتخب مردم واگذارند. تحقق این امر در گرو وجود آرامش و امنیت در دوره انتقال است. اما دولتهای اشغالگر و نیز اسرائیل ترجیح می‌دهند که دوره اشغال هرچه بیشتر به درازا کشد و تشنجات تداوم یابد. ادامه درگیری‌های نظامی، به هر عنوان، به نیروهای اشغالگر بهانه می‌دهد که این دوران را طولانی‌تر

سازند و انتقال قدرت به مردم عراق را به تعویق اندازند یا وضعی را پدید آورند که این انتقال غیر ممکن گردد.

اگر چه افراد و گروه‌هایی در ایران بر این باورند که با ادامه ناآرامی‌ها در عراق آمریکا در همسایگی ایران زمین‌گیر می‌شود و نمی‌تواند به ایران بپردازد، این سیاست همانند شمشیر دولبه‌ای است که می‌تواند پیامدهای بسیار خطرناک و سختی برای ایران نیز داشته باشد.

اکثریت مردم عراق (در حدود ۶۰ درصد) را شیعیان تشکیل می‌دهند. علاوه بر اشتراک مذهب، روابط بسیار نزدیک و عمیق فرهنگی و اجتماعی میان شیعیان عراق و ایران وجود دارد. این روابط بی‌تردید زمینه‌های طبیعی مناسبی را برای اعمال نفوذ ایران در سیاست‌ها و تحولات داخلی عراق، در راستای حفظ منافع و امنیت ملی ایران، فراهم ساخته است. اما بهره‌مند شدن ایران از این زمینه‌ها به حسن تدبیر و فرزاندگی سیاسی تصمیم‌گیرندگان بستگی دارد. استفاده از این زمینه‌ها و امکانات در راستای اهداف سلبی نه تنها کمک کننده نیست، بلکه برای هر دو کشور مضر و خطرناک است. استقرار امنیت و آرامش در عراق و انتقال هر چه سریعتر قدرت به مردم باید محور سیاست‌ها و عملکردها باشد تا زمینه برای خروج نیروهای اشغالگر فراهم شود، نه دشمنی با این یا آن کشور، حتی اگر این دشمنی‌ها کاملاً توجیه پذیر و قابل درک باشد.

اینک پس از سقوط حکومت صدام، یک فرصت بی‌سابقه تاریخی برای شیعیان و کردهای عراق پدید آمده است تا یک ستم تاریخی را اصلاح کنند.

در طول سالیان دراز سلطه دولت عثمانی بر سرزمین فعلی عراق (بین‌النهرین)، شیعیان با برچسب رافضی، از بسیاری از حقوق انسانی محروم بودند. این محرومیت، پس از فروپاشی و تجزیه دولت عثمانی نیز، در دوران قیمومیت بریتانیای کبیر بر آن سرزمین ادامه یافت. متأسفانه پس از استقلال عراق، محرومیت شیعیان (و نیز کردها) در حکومتی که قدرت اصلی آن در دست اعراب سنی بود، پایان نیافت. تاریخ ۷۰-۸۰ ساله عراق مستقل سرشار از قتل، جنایت، محرومیت و محدودیت برای کردها و شیعیان بوده است. کردهای عراق از سال ۱۹۹۱، پس از جنگ دوم خلیج فارس، با حمایت ارتش‌های ائتلافی شرکت کننده در جنگ توانستند خود را از یوغ ظلم و ستم دولت بعثی نجات دهند. اما چنین حمایتی از شیعیان جنوب دریغ شد و در همین مدت، جنایات عظیمی علیه شیعیان صورت گرفت.

اکنون برای نخستین بار شیعیان عراق نیز می‌توانند به تامین حقوق ملی و مذهبی‌شان، امیدوار باشند. شیعیان عراق، با آنکه ۶۰ درصد جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دهند، به علل زیر نمی‌توانند

سهم متناسب با آن را در دولت و قدرت حکومتی به دست آورند. **اولا**، شیعیان عراق یکپارچه نیستند و اختلافات جدی هم میان روشنفکران و روحانیان شیعی وجود دارد و هم در بین خود روحانیان چنین اختلافاتی در طول یک سال گذشته موجب بروز حوادث اسف باری گردیده است. **ثانیا**، تجربه ناموفق همکاری روشنفکران و روحانیان در انقلاب اسلامی ایران و رویدادهای پس از پیروزی آن، آثار منفی بر روابط روشنفکران و روحانیان عراق بر جای گذاشته است، **ثالثا**، کردها و اعراب سنی تن به پذیرش حاکمیت شیعیان نمی دهند. کردهای عراق، که جنایات هولناک دولت صدام را پشت سر گذاشته‌اند، حاضر نیستند که آنچه را که در ۱۴ سال گذشته به دست آورده‌اند به نفع حکومتی که شیعیان در آن اکثریت داشته باشند از دست بدهند. اعراب سنی مذهب نیز، که قدرت اصلی را در دهه‌های گذشته در دست داشته‌اند، حاضر به تمکین از حکومتی با اکثریت شیعیان نیستند. دولت‌های عربی خاورمیانه و سایر قدرت‌های کنشگر هم یک دولت جدید شیعی در منطقه را بر نمی تابند. بنابراین، تنها راه حل معقول برای خروج از بن‌بست‌های کنونی قبول نوعی از حکومت‌های شورایی در استان‌های مختلف، متناسب با اکثریت قومی است. در پیش نویس قانون اساسی جدید عراق، برخی از این نکات مورد توجه قرار گرفته است. البته این قانون اشکالات و ایرادات و نواقصی دارد، اما چون هنوز به تصویب عمومی نرسیده و نهایی نشده است، امکان اثرگذاری و اصلاح و تکمیل محتوای آن وجود دارد.

آنچه به حق موجب نگرانی و اعتراض شیعیان عراق شده است، ادامه شورش‌های مسلحانه و حمایت‌هایی است که از آنها شده و می‌شود. شیعیان عراق از این نگرانند که ادامه درگیری‌های مسلحانه، آدم‌ربایی‌ها و ... موجب شود که **اولا**، آنان فرصت‌های کنونی را از دست بدهند و **ثانیا**، ارتش‌های خارجی، به بهانه ناامنی، خروج خود را از عراق به تعویق اندازند. بر همین پایه، اکثریت قابل توجهی از شیعیان عراق، به درستی یا نادرستی، ایران را محرک و مشوق گروه‌های تندرو می‌دانند و با این سیاست‌ها موافق نیستند. این امر احتمالاً موجب آن خواهد شد که ایران موقعیتش را در میان شیعیان عراق و امکانات اثرگذاری بر روند تحولات عراق از دست بدهد.

برپایه آنچه در بالا گفته شد نهضت آزادی ایران نظراتش را به شرح زیر اعلام می‌کند :

۱- کشاندن درگیری‌های مسلحانه به اماکن مقدس، از جمله حرم امام علی(ع) در نجف اشرف، غیر قابل دفاع و محکوم است. سنگر گرفتن نیروهای مسلح تحت فرمان یک روحانی جوان در حرم امام علی(ع) و استقرار آنان بر بام‌ها و در مغازه‌ها و قرار دادن کیسه‌های شن - و بنا به گزارش‌هایی، مین گذاری - در اطراف حرم موجب شده است که درگیری‌ها به شهر نجف و حرم

کشانده شود. از سوی دیگر، نظامیان آمریکایی، که مصمم به مهار کردن شورش‌های مسلحانه‌اند، از حمله کردن به نیروهایی که در حرم امام علی (ع) سنگر گرفته‌اند، ابایی ندارند. این امر باعث شده‌است که نه تنها آرامش مردم نجف و زائران از بین برود، بلکه حرمت اماکن مقدس نیز شکسته شده، خساراتی به ساختمان‌های حرم وارد گردد. علمای برجسته عراق، ضمن محکوم کردن این وضعیت، از همه نیروهای مسلح خواسته‌اند که نجف را ترک کنند و از اماکن مقدس به عنوان سنگر استفاده ننمایند. اگر چه نیروهای یادشده آمادگیشان را برای خروج از نجف اعلام کرده‌اند وضعیت هنوز مبهم است و از آرامش و امنیت نشانی نیست.

۲- **نهضت آزادی ایران** گروگانگیری و سربریدن افراد - اعم از بی گناه یا خطاکار و دشمن - را محکوم می کند. اصالت و استقلال گروه یا گروه‌های ناشناخته‌ای که به نام اسلام این جنایات شرم‌آور را مرتکب می‌شوند به شدت مورد تردید و غیرقابل تأیید است و رفتارهای آنان هیچ گونه توجیه منطقی و عقلانی یا دینی ندارد. این گونه کارها نه تنها کمکی به ایجاد امنیت در عراق نمی‌کند و سبب تسهیل یا تسریع خروج نظامیان از خاک عراق نمی‌شود، بلکه به زیان منافع ملی مردم عراق و موجب وهن اسلام پاک می‌باشد. از مراجع و علمای روشن‌بین و آگاه نجف انتظار می‌رود که این رفتارها را تقبیح و محکوم کنند و از ادامه آنها جلوگیری نمایند.

برخی از قدرت‌های ذی نفع و کنشگر در عراق و منطقه، به ویژه رژیم غاصب و جنایت پیشه اسرائیل، مایل نیستند که نیروهای اشغالگر آمریکایی و انگلیسی در آینده نزدیک از عراق خارج شوند، و اداره آن کشور به دست یک دولت واقعاً مستقل منتخب ملت عراق بیافتد. آنها حفظ منافعشان را در ادامه اشغال عراق و گسترش تشنجات و درگیری‌های غیر کارساز و بعضاً مضر مسلحانه می‌دانند.

۳- **تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک** باید در راستای جایگزینی نیروهای اشغالگر با نیروهای سازمان ملل متحد و سرعت بخشیدن به انتقال واقعی و اطمینان بخش قدرت به مردم عراق صورت گیرد. در شرایط کنونی جهان و منطقه، دیپلماسی انتقال مسئولیت در عراق از نیروهای آمریکایی و انگلیسی به سازمان ملل متحد می‌تواند حمایت جامعه جهانی را به سرعت جلب کند و زمینه را برای ایجاد امنیت و آرامش فراهم سازد.

نهضت آزادی ایران